

زندگی پر فروغ ایشان در حوزه جامعه‌شناسی و سیاسی چه ویژگی‌هایی داشت؟ از نظر علمی، ایشان یک چهره علمی بسیار برجسته‌ای بودند. برای یک کلاس یکی، دو ساعته خود یک هفته مطالعه داشتند و تمام اطلاعات و مسائل روز را در مورد آن موضوعی که قرار بود در کلاس مطرح کنند، بررسی می کردند، در غیراین صورت کار کلاس نمی‌شدند. همه استادان و دانشجویانی که با ایشان ارتباط علمی داشتند، دانشجو چیزی کم نمی‌گذاشتند و در حد جزوه‌ای که سر کلاس تدریس شود کلاس‌هایشان را پیش نمی‌بردند و حتی هر ترم با ترم دیگر متفاوت بود.

در تدریس و کار علمی پشتکار بسیار زیادی داشتند به حدی که وقتی کاری برای ایشان می‌رسید، مثلا اگر قرار می‌شد مقاله یا مصاحبه‌ای راصحیح کنند، هر چند ساعتی که طول می‌کشید حتی ساعتی طولانی در همه لحظات پای کار بودند به‌طوری که در کار غرق می‌شدند و حتی اگر صدایشان

عماد افروغ چهره بارز علمی، جامعه‌شناس و پژوهشگر حوزه دین می‌گفت. به‌مناسبت چهلمین روز درگذشت این جامعه‌شناس و فعال سیاسی، بعد از تحمل یک دوره بیماری سحر گاه روز جمعه ۲۵ فروردین امسال در ۶۷سالگی در گذشت. شخصیتی متفاوت که مورد وثوق همه طیف‌ها بود و فراتر از کشمکش‌های حزبی قرار می‌گرفت. به‌مناسبت چهلمین روز درگذشت این جامعه‌شناس و پژوهشگر حوزه دین با همسرش زهرا کاظم پورفرد در باره زندگی شخصی و علمی، فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و مراودات ایشان می‌گفت.

در حوزه اجتماعی می‌دانید یا سیاسی؟

از نظر سیاسی و جامعه‌شناسی، ایشان درباره مطالب روز اجتماعی از لحاظ اینکه روشنفکر بودند و درد مردم را می‌فهمیدند دوست داشتند روشنگری کنند. به تناسب موضوعاتی که برای اجتماع پیش می‌آمد، وارد عمل می‌شدند. علم خود را در این راه با توجه به تئوری‌های خود صرف می‌کردند. ایشان تئوری پردازی بودند که سال‌ها بعدی را پیش‌بینی می‌کردند. اتفاقات سال ۸۸ را کاملا پیش‌بینی کردند و آنچه را که نیاز بود به مسئولان انتقال می‌دادند. حتی اتفاقات و وقایع اخیر ایران و اعتراضات سال ۱۴۰۱ مربوط به مهسا امینی را نیز پیش‌بینی کردند و انتقال دادند که برای جلوگیری از هزینه‌هایی که به کشور تحمیل خواهد شد، اقدامی انجام شود. مثلا عذر خواهی صورت گیرد، حتی یکی دو نفر بر کنار نشوند... تا به سلامت از آن وضعیت عبور کنیم، متأسفانه به توصیه‌های دلسوزانه ایشان توجه نند.

هر وقت به ایشان می‌گفتند فعال سیاسی به نوعی

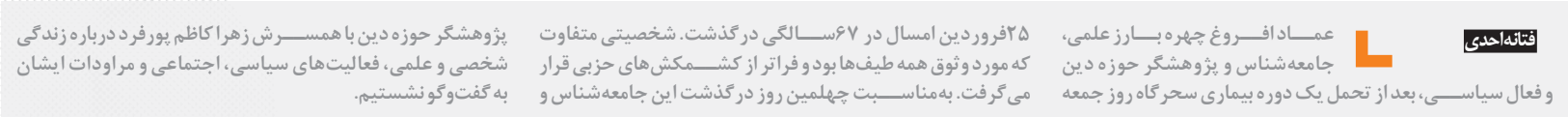


گفت‌وگوی با زهرا کاظم پورفرد

زندگی و شخصیت عماد افروغ به روایت همسرش

چرا دیگر نامزد نمایندگی مجلس نشد؟

از ماجرای دعوت از شخصیت‌ها برای ریاست‌جمهوری در سال ۸۸ تا هشدارهای ۱۴۰۱



مناقشه حق و مصلحت و بن‌بست دانشجویی



*نویسنده: عماد افروغ
ناشر: سوره مهر*

«مناقشه حق و مصلحت و بن‌بست جنبش دانشجویی» نوشته عماد افروغ، کتابی است که با هدف تأکید بر رسالت و تعهد روشنفکران و حقیقت‌گرایان در جامعه نگاشته شده است. در این کتاب در ابتدا مباحث مربوط به حق و مصلحت و متعاقبا مطالب مربوط به جنبش دانشجویی در قالب ۵ گفتار اجتناب‌ناپذیری ایدئولوژی و جنبش دانشجویی، جنبش دانشجویی و آسیب دولتی شدن آن، جنبش دانشجویی و موانع نقد، زمینه‌ها، شرایط و بایسته‌های حرکت اصلاح‌گرانه دانشجویان و اجتناب جنبش دانشجویی از ابزار هژمونیک و استیلای شدن قدرت دولتی تقدیم خوانندگان می‌شود.

و حتی مقامات به منزل مسا می‌آمدند و خواهش می‌کردند، اما ایشان دیگر نامزد نشدند و فعالیت خود را در حوزه غیررسمی ادامه دادند. بعد هم که پیش از موعد خود را بازنشسته کردند، آنگونه که خیابان کارهای علمی‌شان بسیار بیشتر شد. مصاحبه‌ها بیشتر و چه بسا تأثیرگذاری‌شان هم بیشتر شد.

ایشان با این نگاه جامع جامعه‌شناختی در منزل و بر خورد با خانواده چطور رفتار می‌کردند؟

ایشان خیلی نکته‌بین و ریزبین بودند. برای شناخت افراد کافی بود یک‌بار فردی را ببینند و چند کلمه از او بشنوند. حتی ایشان مدتی که برای دادن پروانه نمایش فیلم فعالیت‌هایی انجام می‌دادند، به حدی در این زمینه مهارت پیدا کرده بودند که اگر ابتدای هر فیلمی را می‌دیدند، انتهای آن را حدس می‌زدند. من تعجب می‌کردم که چگونه صحنه‌ای را می‌دیدند و صحنه بعدی را حدس می‌زدند این نشدند. در از تیزبینی خاص ایشان بود. در خانه نیز نسبت به اطرافیان، خانواده، فامیل و آشنایان به‌ویژه همین حالت را داشتند.

از نظر برخورد با افراد جامعه چطور؟

سال ۸۸ وقتی بازنشسته شدند، به دلیل اینکه سرکار نمی‌رفتند، چون دفتری برای ملاقات‌های

یادم هست در زمان بیماری، ایشان در اتاقی که کردند که کمی سرد بود، ایشان تا زمانی که مشغول کار بودند متوجه سرما نشدند بعد از فارغ شدن از کار وقتی به اتاق دیگر آمدند به من گفتند که چقدر آن اتاق سرد است، یعنی تا زمانی که مشغول کار بودند حتی گرما و سرما نیز تأثیری روی ایشان نداشت

ما و جهانی شدن



*نویسنده: عماد افروغ
ناشر: سوره مهر*

به‌نظر می‌رسد از نظر مفهوم، واژه جهانی‌سازی، مبانی نظری، مولفه‌ها، رویکرده انتقادی و ابعاد ارزشی و هنجاری خود را به‌دنبال دارد؛ اما واژه جهانی شدن ابعاد هنجاری، احساسی و ارادی خود را مخفی کرده و خود را به‌عنوان واقعیتی صرف و اجتناب‌ناپذیر نمایان و در واقع تحمیل می‌سازد. مدعیان و طرفداران انتخاب جهانی شدن، به‌خوبی می‌دانند که انتخاب لفظ «شدن» بهتر می‌تواند بیانگر وجه به‌اصطلاح «بی‌طرف و غیرجانبدارانه» آنان باشد. نگارنده در کتاب حاضر با بیان تفاوت میان این دو واژه، به فرصت‌ها وامکانات جهانی‌سازی از قبیل فرصت ابزاری تکنولوژی را تبایعات و اطلاعات برای جوامع مختلف می‌پردازد.

ایشان مراسم خود را پیش‌بینی کرده بودند؛ همان‌طور که بسیاری از مسائل اجتماعی را پیش‌بینی کرده بودند. همیشه به من می‌گفتند که تشییع جنازه من بسیار شلوغ و باشکوه خواهد شد. همه حتی مقام معظم رهبری پیام می‌دهند. اما من فکر می‌کردم نمی‌شود که مقام معظم رهبری برای همه پیام بدهند

طالب خواندن این کتاب‌ها هستند اما یا فرحتش را ندارند یا در دست‌رسان نیست. امیدوارم افرادی پیدا شوند که این روزنگاشت‌ها، دل‌نوشته‌ها، خلاصه کتاب‌ها و خلاصه مصاحبه‌ها را به‌صورت جداگانه به بخش‌های مختلفی تبدیل کنند.

ایشان با من هم همین حالت را داشتند. هر کتابی که می‌خواندند برای من تعریف می‌کردند. من هم عادت کرده بودم و خوشحال می‌شدم. چون یکی از معیارهایم برای ازدواج اهمل کتاب و مطالعه بودن طرف مقابل بود. چون خلاصه از خدا خواسته بودم، خدا هم کسی را نصیبم کرد که دارای این خاصه بود و این خصیصه ایشان برایم از ارزش بالایی برخوردار بود. بهتر از آن هم کسی نصیبم شد که خلاصه همه کتاب‌هایی که می‌خواند و حتی از ابتدا تا انتهای جلساتی که می‌رفتند را برایم تعریف می‌کرد، از این‌رو شاید افراد را به ظاهر نشانم اما از روی اسم می‌دانم که چه شخصیت و چه مواضع سیاسی‌ای دارند.

با بچه‌ها هم همین‌گونه بودند، صحبت‌های خانوادگی ما در مورد کجا برویم، چی بخیریم و مادیات نبود. ما بیشتر در مورد معنویات صحبت می‌کردیم. حتی وصیتنامه ایشان از ابتدا تا انتها رنگ خدا دارد. در کتاب‌هایشان هم خدا کاملا ملموس است. حتی در رونمایی از کتاب «فریادهای خاموش» روز نگاشت تنهایی ایشان، آقای مختارپور که آن زمان رئیس کتابخانه ملی بودند، گفتند که هر چه ورق می‌زنیم، این کتاب‌ها رنگ و بوی خدا دارد. در خانواده، ما را به معنویت و خداگرایی توصیه می‌کردند، حتی در وصیتنامه خود نیز این‌گونه نوشته بودند.

به سوالاتی که در ذهن بچه‌ها بود، در مورد جهان، اقتصاد و زمینه‌های مختلف و حتی مسائل خانوادگی پاسخ می‌دادند. حتی با جوانان مومن و مذهبی که دچار ناامیدی شده بودند، ساعت‌ها با آنها صحبت می‌کردند و می‌گفتند که وقتی همه در‌ها به روی شما بسته می‌شود تازه آغاز شکوفایی شماست. چون همیشه به عاملیت انسان باور داشتند و همواره درباره خدای قابلیت‌ساز و انسان‌دگرگون‌ساز صحبت می‌کردند و می‌گفتند که انسان قادر است ساختارها را به هم بریزد و بشکند و تغییرات ایجاد کند، به همین دلیل ناامیدی در ایشان جایی نداشت و همیشه

آیا متصور بودید؟

• ویژه‌نامه هشتادی ماه • شماره اول • خرداد ۱۴۰۲ • ۸ صفحه

همیشه‌های ما

به دیگران امید تزریق می‌کردند.

با توجه به ویژگی‌های شخصیتی ایشان چه افرادی از سیاسیون و چهره‌های شاخص با شما رفت‌وآمد خانوادگی داشتند؟

«ترافیک اصلاح‌طلبان و اصولگرایان» تیرتی بود که در اخبار مربوط به مراسم ختم ایشان توسط خبرگزاری‌ها هازده شد. شاید در کمتر جایی بوده باشد که همه آقایان دور هم جمع شوند یعنی در مراسم ختم ایشان ناطق نوری، آقای قالیباف، آقای لاریجانی، آقای جهانگیری، همه وزرای دولت‌های اصلاحات و اصولگرا حضور داشتند در حدی که چنین تیرتی زده شد. در خانه ما هم همه قشری رفت‌وآمد می‌کردند. آقایان علی مطهری، اسماعیلی وزیر ارشاد و نمایندگان مجلس؛ هم تلفنی و هم حضوری. در کل ایشان با همه اقدشار هم مراوده داشتند و هم از آنها انتقاد می‌کردند.

خاطرم هست که آقای افروغ به آقای میر حسین موسوی آن زمان گفته بودند که «لبیرال‌ها از خود دور کن و آنها را به خود نزدیک نکن» و در عین حال هم از ایشان برای انتخابات دعوت کرده بودند و هم از آقای وابسته رضایی، چرا که معتقد بودند برای گرم شدن تنور انتخابات همه طیف‌ها باید حضور داشته باشند.

همین خصایص ایشان موجب شد که پس از فوت ایشان علاوه بر مقام معظم رهبری که پیام دادند در میان شخصیت‌های سیاسی هم از آقای سیدمحمد خاتمی تا سیدابراهیم رئیسی همه پیام دادند.

ایشان یک چهره فرانچای بودند و مطلقا به هیچ جناحی وابسته نبودند. در مجلس شورای اسلامی هم که بودند از بس مشکلات اینجینی و جناح‌بندی وجود داشت، ایشان با چندین نفر یک گروه مستقل تشکیل دادند تا کارهای خود را در قالب آن گروه دنبال کنند.

همه نقدهای ایشان به ضرریشان بود و از همه جا طرد می‌شدند. زمانی هر دو طرف در رسانه‌هایشان ایشان را به نوعی نوازش می‌کردند؛ وقتی یقین پیدا می‌کردند مسئله‌ای درست است، دیگر چیزی جلودارشان نبود، آن را در جامعه مطرح می‌کردند و تا آخر پای حرف‌های خود می‌ایستادند.

ایشان همیشه ناراحت بودند و می‌گفتند که جامعه ما ماطیفی است، نباید دو قطبی شود. متأسفانه گروه‌های سیاسی برای رسیدن به منافع خود جامعه را دوقطبی می‌کنند و جلوی تکثر را در جامعه می‌گیرند.

واکنش‌ها پس از فوت آقای افروغ
برای شما چگونه بود؟ آیا متصور بودید؟

خیلی جالب است که بگویم ایشان مراسم خود را پیش‌بینی کرده بودند؛ همان‌طور که بسیاری از مسائل اجتماعی را پیش‌بینی کرده بودند. همیشه به من می‌گفتند که تشییع جنازه من بسیار شلوغ و باشکوه خواهد شد. همه حتی مقام معظم رهبری پیام می‌دهند. اما من فکر می‌کردم نمی‌شود که مقام معظم رهبری برای همه پیام بدهند. چون خود را می‌شناخت پیش‌بینی‌هایش همیشه درست بود و همان اتفاق هم به وقوع پیوست. همه حضور داشتند و همه ناراحت بودند. در جلسه‌ای که در مورد آقای افروغ با موضوع عدالت صحبت می‌شد، یکی از منتسبان به مقامات از ابتدا تا انتها اشک می‌ریختند و گفتند که ما کفران می‌کنیم و قدر این افراد دلسوز به نظام -که تک‌تک سلول‌هایشان به نظام و انقلاب وابسته است- را نمی‌دانیم.